«مجاهد کبیر»، «پرچمدار مقاومت در منطقه»، «عالم بافضیلت دینی» و «رهبر مدبّر سیاسی» تنها برخی از کلمات و عباراتی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب سیدحسن نصرالله، شخصیت والای سیّد عزیز مقاومت را با آن‌ها توصیف کرده‌اند.

به مناسبت شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان، حجّت‌الاسلام‌والمسلمین احمد مروی، تولیت آستان قدس رضوی در گفت‌وگویی با رسانه KHAMENEI.IR ضمن بیان ابعاد مختلف شخصیت سیّد مقاومت به ذکر خاطراتی از حضورهای جناب سیدحسن نصرالله رضوان‌الله‌علیه در مشهد و زیارت حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام پرداخته است.

مشروح این گفت‌وگو در قالب یک گفتار به شرح زیر در اختیار مخاطبان عزیز قرار می‌گیرد.

در گفت‌وگو با تولیت آستان قدس رضوی مطرح شد

خادم‌الرضا شهید نصرالله است

بسم الله الرّحمن الرّحیم؛ شهادت سیّد مقاومت شهید علامه سیّدحسن نصرالله را خدمت همه شنوندگان و بینندگان عزیز تسلیت عرض می‌کنم. ان‌شاءالله که خداوند متعال این شهید و همه شهدای عزیز مقاومت را با شهدای کربلا که در حقیقت این‌ها لبیک گویان به ندای مظلومانه حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در روز عاشورا هستند، محشور بفرماید.

این بزرگوار و شخصیت عزیز، دارای شاخص‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی متعددی بود، که به دلیل مجال اندک به چند نمونه اشاره می‌شود. نخست جنبه علمی و فضل حوزوی این شهید است که جهات مقاومت و جهاد این بزرگوار بر این جنبه سایه افکنده است.

این شهید عزیز تحصیل کرده نجف بود و بزرگان و شخصیت‌های برجسته‌ای را نیز در حوزه‌های فقهی و اصولی و معرفتی و عرفانی درک و ملاقات کرده بود. او سال‌ها نیز در حوزه علمیه قم درس خوانده بود و بی‌جهت نیست که حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی به ایشان تعبیر علامه داده‌اند. در واقع او پیش از اینکه وارد حوزه مبارزه و جهاد شود، حوزه‌های علمیه نجف و قم را درک کرده و درس خوانده بود که این ویژگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

شهید سیّدحسن نصرالله دارای روحیه مقاومت و ایستادگی بود و بدون مبالغه از مصادیق آیه شریفه «فَاستَقِم کَما اُمِرت» و امر الهی است. او ۳۰ سال در راه مبارزه و جهاد با مستکبرین، اشغالگران، ستمگران و جنایتکاران -که همه این‌ها در صهیونیسم خلاصه می‌شود- «فَاستَقِم کَما اُمِرت» بود و مبارزه و جهاد کرد، اما ناامید نشد. او در جایی تعریف می‌کرد که بعضاً چند ماه می‌گذرد و آفتاب را می‌بینم، اما کمترین یأس، ناامیدی و خستگی در ایشان مشاهده نمی‌شد و همواره شادابی و نشاط دوران جوانی را داشت که نشان‌دهنده ایمان و باور به راه مقدسی است که انتخاب کرده بود.

اگر ایمان باشد دیگر سستی وجود ندارد. هوش سرشار، قدرت اقناع مخاطب و تحلیل‌گری مقتدر و توانمند در مسائل جهانی از دیگر ویژگی‌های شخصیتی این شهید بزرگوار است. به گونه‌ای که مردم (افراد مختلف) او را قبول داشتند و سیاستمداران روی سخنان او حساب باز می‌کردند. معروف است در جنگ ۳۳ روزه مردم کشور فلسطین و اشغالگران به سخنان سیّدحسن نصرالله بیشتر اعتماد داشتند تا به سخنان سران رژیم اشغالگر. زیرا شهید نصرالله، منطقی بود و تحلیل درست و عمیقی داشت. در واقع این قدرت تحلیل و اقناع مخاطب نشأت گرفته از هوش بالا و سرشار این شهید بزرگوار بود. بیان خطابه او بسیار سازنده و اقناع‌کننده بود.

مسئله توسل به دامن معصومین علیهم‌السلام نیز از دیگر ویژگی‌های این شهید بود. او همواره رمز توفیقاتش را در کنار رشادت‌ها و شجاعت‌ها و مجاهدت‌ها، عنایت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌دانست. در جنگ ۳۳روزه که حقیقتاً از افتخارات جهان اسلام به‌شمار می‌رود، یک گروه مبارز ۳۳ روز در برابر یک رژیم تا بن دندان مسلح مقاومت کرد و آن را به عقب راند. جنگ ۶ روزه ۶ کشور عرب را در دهه ۷۰ میلادی فراموش نکرده‌ایم، ۶ روز بیشتر جنگ دوام نیاورد و عقب نشستند و هر کدام از کشورها بخشی از اراضی خود، سوریه بلندی‌های جولان، مصر صحرای سینا، اردن کرانه باختری و سایر کشورها نیز بخشی از اراضی خود را از دست دادند، اما در جنگ ۳۳ روزه و در یک جنگ کاملاً نابرابر، یک گروه مسلح در برابر یک رژیم تا بن دندان مسلح پیروز شدند.

پس از این جنگ بنده توفیق ملاقات ایشان را داشتم از این شهید سؤال شد درخصوص جنگ ۳۳ روزه روایت‌هایی از عنایات ائمه معصومین علیهم‌السلام شنیده‌ایم و حکایت‌هایی نقل شده است که مایل هستیم از زبان شما بشنویم و سیّدحسن نصرالله پیروزی در این جنگ را مرهون عنایت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها ذکر کرد و گفت: حضرت دست ما را گرفتند و پیروزی از آن ما شد.

او به عنایات ائمه معصومین علیهم‌السلام باورمند بود. بنده در این چند سالی که توفیق خادمی و نوکری این دستگاه را پیدا کردم دو بار در مشهد خدمت ایشان رسیدم. نخستین بار همراه با شهید قاسم سلیمانی و بار دوم که همراه با سردار قاآنی بود.

در یکی از این سفرها دوستان سجاده‌ای تهیه کرده بودند که به ایشان اهدا شود اما بنده پیشنهاد کردم روپوش مضجع شریف حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام را به ایشان هدیه دهیم. وقتی این هدیه به ایشان اهدا شد و آرزو کردیم این روپوش متبرک مایه قوت و برکت جریان مقاومت و حزب‌الله شود، ایشان و شهید سلیمانی روپوش را با عشق، علاقه و شعفی از بنده گرفتند و سر و صورت خودشان را با آن متبرک کردند و گفتند: این بهترین هدایایی است که در عمرم دریافت کردم و بسیار خوشحال شدند. دو سال پیش نیز در سفری که ایشان به مشهد داشتند از ما درخواست حکم خادمی کردند بنده گفتم خادم حقیقی شما هستید که از مکتب و آرمان‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام صیانت می‌کنید و مجاهدت در این راه خود خدمتی عظیم است، اما شهید سیّدحسن نصرالله گفتند مایل هستم نامم در زمره خادمان حضرت امام رضا علیه‌السلام باشد و حکم خادمی به ایشان اعطا شد و این نشان‌دهنده عشق و علاقه و ایمان به اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بود. وقتی ایشان به زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام نایل می‌شد با توجه به اینکه اقامت کوتاهی داشت اما روحیه می‌گرفت و زنده می‌شد.

این شهید با توجه به این‌که خود یک فرمانده توانمند، با هوش، عاقل و دارای قدرت تحلیل سیاسی و نظامی و... بود اما در برابر رهبر معظم انقلاب سرباز بود. نه فقط تعبد که ایشان نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و ولی‌فقیه هستند، اما راهنمائی‌ها، راهبردها و تدابیر رهبر معظم انقلاب را باور داشتند و فقط تعبد نبود، بلکه رهبر معظم انقلاب را باور داشت و بدون چون و چرا تسلیم امر ایشان بود. اگر نظری داشت نظرش را بیان می‌کرد، اگر حضرت آقا می‌پذیرفتند که هیچ، اما جایی که آقا نظر دیگری داشتند باورداشت که نظر آقا دقیق‌تر است و این را تجربه کرده بود چون همواره تشخیص آقا درست بود. رابطه سیّدحسن نصرالله با رهبر معظم انقلاب، مرید و مرادی بود، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز از دیدن ایشان لذت می‌بردند و با نشاط می‌شدند و این رابطه عاشقانه دوطرفه بود.

شخصیت این بزرگوار برای ما درس است، ما باید هر نظر و سلایقی داریم در برابر تدابیر رهبر معظم انقلاب چون و چرا نکنیم. در تاریخ کسانی که در برابر ولی امر ایستادند سر از ناکجا آباد درآوردند و نه تنها تاریخ بلکه در انقلاب نیز کسانی که در مقابل امام راحل عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ایستادند، نابود شدند.

در دوران انقلاب منافقین رو سیاه اعتقاد داشتند امام ضد امپریالیست نیست و ایشان را به تسامح متهم می‌کردند و معتقد بودند امام رحمه‌الله انقلابی نیست و در مقابل آمریکا نمی‌ایستد همچنین امام را به سهل‌انگاری متهم می‌کردند و در مقابل امام می‌ایستادند، امروز شاهد هستیم این منافقین جیره‌خوار و مزدور کاخ سفید شده‌اند. امام را به ضد امپریالیستی نبودن متهم می‌کردند و حالا پول می‌گیرند تا جاسوسی کنند.

از این خفت بیشتر چیزی نیست. ما نیز همچون شهید سیّدحسن نصرالله مطیع بی‌چون و چرای رهبری باشیم و به ایشان اعتماد کنیم سیّدحسن به امام اعتماد داشت، نه تعبد صرف بود بلکه عمیقا اعتماد داشت و هیچ‌گاه نگفت من در لبنان و در میدان هستم و بهتر از شما میدان را می‌شناسم و این برای ما درس است، تا بتوانیم با تدابیر رهبر معظم که در طول سی و چند سال هوشمندی، هوشیاری، دشمن‌شناسی، شجاعت و تحلیل عمیق و درست تشخیص دادن که بارها تجربه کردیم و صدها بار دیدیم و احتیاجی نیست دوباره اعتماد و باور داشته باشیم و خیالمان راحت باشد و سلامت کشور، نظام و انقلاب در گرو این مسئله است و بس.

آنان با قدم گذاشتن در وادی جهاد و مبارزه از رهگذر آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام به این‌جا رسیدند و نسبتش مشخص است اگر این ارادت و اعتقاد نبود وارد این عرصه نمی‌شدند. اینکه وارد این عرصه شدند چون تربیت یافته مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بودند. وقتی دو نفر به محضر امام رضا علیه‌السلام شرفیاب می‌شوند و هر دو از یک مبدأ و مقصد، از حضرت سؤال می‌کنند نمازمان چگونه است؟ حضرت به یکی می‌فرمایند: نمازت را شکسته و به دیگری می‌فرمایند نمازت را تمام بخوان. سؤال می‌شود ما با هم آمدیم مبدأ و مقصد و برگشت یکی است، چرا دو حکم؟ حضرت می‌فرمایند: چون به قصد دیدن مأمون آمدی سفرت سفر معصیت است و اسلام آن را امضا نمی‌کند، تو از نظر اسلام مسافر نیستی. اما دیگری که برای دیدن ولی خدا آمده است نمازش را شکسته بخواند چون اسلام سفرش را امضا کرده و مسافر محسوب می‌شود. یعنی مبارزه با ظلم و ستمگر و طاغوت تا این حد.

این‌ها از رهگذر ائمه اطهار و معصومین علیهم‌السلام به میدان جهاد و مبارزه کشیده شدند. اگر دشمن در عرصه‌ها و مقاطعی توفیقاتی را کسب می‌کند به معنای شکست جریان حق نیست، اگر این‌گونه بود باید بعد از کشته شدن‌هابیل به دست قابیل و پس از شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و آن داستان عجیب و غریب و جنایت بنی‌امیه در رأس آن یزید هیچ‌گاه جریان حقی به‌وجود نمی‌آمد.

پس پیروزی ظاهری و موقتی جریان باطل به معنای از بین رفتن جریان حق نیست، آیا بعد از عاشورا جریان عاشورا از بین رفت؟ هر چند فراز و نشیب‌هایی وجود دارد اما هیچ‌گاه جریان حق از بین نمی‌رود. اگر از بین رفتنی بود از همان زمان آدم باید جریان حق از بین می‌رفت و قابیل‌ها حاکم می‌شدند. ولی این‌گونه نیست. در زمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام آیا حق از بین رفت و باطل پیروز شد، باید آینده را ببینیم که چه کسی پیروز شده است.

به دوران زمان خودمان برگردیم، وقتی شاه امام را تبعید کرد خیالش راحت شد و تصور کرد همه چیز تمام شده است از همین رو کشتار ۱۵ خرداد را راه انداخت، نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کرد و تصور کرد پیروز میدان شده است، اما آیا شاه پیروز شد یا امام؟ بسیاری از بزرگان در آن دوران همراه امام بودند، وقتی امام تبعید شد آنان نیز ریل را تغییر دادند اما چه کسی پیروز شد؟ شاه یا امام؟ بله درست است که فراز و نشیب وجود دارد.

وقتی سید عباس موسوی بنیانگذار حزب‌الله را همراه خانواده‌اش به شهادت رساندند، یأس و ناامیدی بین مردم رخ داد اما آیا پس از شهادت سیدعباس و خانواده‌اش کار حزب‌الله تمام شد؟ خیر این درخت با خون پاک شهدای مقاومت آبیاری شد و این شجره مبارکه شاخ و برگ‌های زیادی پیدا کرد و حزب‌الله به‌وجود آمد. ما به یاری خدا اعتماد و اعتقاد داریم. شهادت این شهید بزرگوار جریان مقاومت، مصداق آیه «وفدینه بذبح العظیم» است، آیا این «فدینه بذبح‌العظیم» در عاشورا پرونده‌اش بسته شد و یا هر روز شعاعش عالم را می‌گیرد؟ در واقع این درخت مقاومت و شجره مبارکه احتیاج به آبیاری داشت و بهترین آبیاری صورت گرفت و به همان نسبت رشد پیدا کرد. این سنت پاک الهی است. وقتی که یزید ملعون خبیث سرمست پیروزی و قدرت بود، و فرزند رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله را با همه اصحاب پاکش شهید کرد و تصور کرد که آب از آب تکان نخورد.

باید روی این موضوعات بیشتر تامل کنیم ما اگر آن روز بودیم فکر می‌کردیم که پرونده اسلام برای همیشه بسته شد، بدن فرزند پیغمبر را قطعه قطعه کردند و اسلام تمام شد و خیلی‌ها گفتند پرونده اسلام بسته شد و اهل‌بیت علیهم‌السلام تمام شدند، حضرت زینب سلام‌الله‌علیها با یک آیه قرآن جواب دادند و به یزید فرمودند: «وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِی لَهُمْ خَیْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ» این آیه خیلی آرامش می‌دهد. این آیه برای ماست. اگر ما به کفار و طغیانگران فرصت می‌دهیم به این معنی نیست که خیری برای آن‌ها می‌خواهیم و آن‌ها به حق هستند و پیروزی از آن آن‌هاست، بلکه ما به آنان فرصت می‌دهیم تا گناهان و جنایاتشان بیشتر شود.

بایدن خبیث که یک پایش لب گور است و لحظات آخر عمرش را سپری می‌کند ببینید چه جنایاتی را انجام می‌دهد اگر چند سال پیش از این دنیا رفته بود این‌قدر به گناهانش افزوده نمی‌شد خون ۴۰، ۵۰ هزار نفر انسان معصوم بر گردن اوست، به قدری آلوده و پلید هستند و هیچ روزنه‌ای برای هدایت ندارند.

خداوند به آنان مهلت می‌دهد تا گناهانشان و عذابشان بیشتر شود. خدا به یزید، بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز فرصت داد. بعد از امام سجاد علیه‌السلام بنی‌عباس سال‌ها حکومت کرد. سنت الهی همین است این ۴ روز عمر برای ما خیلی جلوه دارد اما وصل به خدا شدن مهم است جریان حق پیروز است و اگر حق با صدمه سنگین از بین رفتنی بود قرن‌ها قبل باید جریان حق تمام می‌شد. همواره جریان حق وجود دارد و دوباره سر برآورده است، ان‌شاءالله خون‌های پاک شهیدان موجب رشد و گسترش مقاومت شود.

این شهید به آقا عشق می‌ورزید و رابطه‌اش مرید و مرادی بود، آقا را قلباً دوست داشت و آقا هم ایشان را دوست داشتند. یک روحانی فاضل، مخلص، مجاهد، بی‌ادعا، جان برکف و مدیر که هزاران نیرو تربیت کرده بود و صدها نفر را همچون خودش تربیت کرده بود. آقا هم از دیدن ایشان لذت می‌برد و رابطه عاشق و معشوقی بود و جدای از مسئله ولایت و ولی‌امر بودن هر دو رابطه عاشق و معشوق داشتند. حاج قاسم نیز همین‌گونه بود هر دو رابطه متقابل عاشق و معشوق بود. فقط یک نگرانی است، همان‌هایی که نفوذ کردند و ضرباتی زدند، به نظرم در شهادت این شهید بزرگوار نفوذ نقش داشته است، همان نفوذی‌ها و منافقینی که از صدر اسلام بودند الان دست به کار شدند جنایات صهیونیست‌ها را تکمیل کنند و در حال حاضر نیز دست‌به‌کار شدند که جنایات صهیونیست‌ها را تکمیل کنند و بین مسلمانان اختلاف بیندازند. در جنگ احد که به فرماندهی پیامبر اسلام صلی‌الله علیه وآله صورت گرفت نیز همین‌گونه بود همان نفوذی‌ها بعد از اینکه اسلام شکست خورد در مدینه شایعاتی پخش کردند و سعی کردند همان یک ذره روحیه باقی مانده را با تبلیغات از بین ببرند اما پیامبر صلی‌الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام مدیریت کردند.

نفوذی‌ها و منافقین سعی می‌کنند بخش انجام نشده کار دشمن را سرانجام دهند و روحیه ما را از بین ببرند و اختلاف ایجاد کنند. نفاق کارش همین است. شیعیان و مردم لبنان باید حواسشان باشد. منافقین و سربازان بدون یونیفرم رژیم صهیونیستی الان دست به کار شده‌اند تضعیف روحیه، ایجاد اختلاف، بدبین کردن مقدسات، ایجاد یأس و ناامیدی. دشمن دست‌به‌کار شده است همان‌طور که در صدر اسلام در جنگ‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نفاق همواره دست‌اندرکار و فعال بود و در پشت جبهه کار خودش را می‌کرد ما باید حواسمان باشد و بستری را فراهم نکنیم که دشمن کار ناتمام را تمام کند و بذر ناامیدی را در جبهه مقاومت بپاشد. آنچه که جریان مختار را شکست داد همین منافقین بودند که در بین سپاه و مردم بذر یأس و ناامیدی را انداختند.

دشمن کارش تمام نشده است. بمباران یک ابزار دشمن است اما کامل‌کننده نقشه دشمن تبلیغات منافقان و نفوذی‌هاست باید حواسمان باشد که دشمن به اهداف شوم خودش که تفرقه و اختلاف‌افکنی است نرسد. دشمن باید موجب وحدت و اتحاد ما باشد مبادا دشمنی که باید ما را کنار هم قرار دهد و موجب وحدت کلمه ما باشد موجب افتراق ما شود.

شهادت این بزرگوار و از دست دادن این فرمانده لایق، با ایمان، مخلص، فداکار و شجاع بسیار سخت است. خدا به رهبر معظم انقلاب و همچنین مردم عزیز لبنان و حزب‌الله لبنان و خانواده‌های این عزیزان صبر عنایت فرماید. تنها یک چیز ما را آرام می‌کند اینکه وعده الهی نزدیک است، «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ أَمْوَتًا بَل أَحْیَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» ما نمی‌بینیم، آنان زنده هستند و کمک و هدایت می‌کنند و دعا می‌کنند او به اعلاعلیین پیوست و خوشا به حالش. ما یک فرمانده بزرگ و لایق را از دست دادیم اما او به جنت الهی وارد شد و از این همه رنج و سختی و مشقت که گاهی ماه‌ها آفتاب را نمی‌دید نجات یافت. خودش راحت شد اما خون پاکش جریان مقاومت را حیات دوباره می‌دهد همان‌گونه که به درختی آب می‌دهیم و شاخ و برگ تازه می‌گیرد جریان مقاومت با این خون‌ها پاک، بانشاط‌تر و تاثیرگذارتر خواهد شد. ان‌شاءالله خدا سایه رهبر عظیم‌الشان را بر سر امت اسلامی و مستضعفین عالم مستدام بدارد و سایه ایشان پاینده باشد و همه ما تابع و گوش به فرمان رهبر عظیم‌الشان باشیم.

فواد ایزدی:

آمریکا در جنایات علیه مردم فلسطین، میداندار است

اشاره: حمایت آمریکا از ترورها و کشتاری که اسرائیل در غزه به راه انداخته وضعیت منطقه را بغرنج کرده است به طوری که سازمان ملل و ملت‌ها و دولت‌های مختلفی نسبت به تداوم این رویه و حمایت‌های آمریکا از اسرائیل معترض هستند. کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل منطقه، به نقش آمریکا در مسائل ماه‌های اخیر و جنایت‌های اسرائیل پرداخته است.

فواد ایزدی، کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل آمریکا در پاسخ به این سؤال که به نظر شما عملیات طوفان‌الاقصی چه اثری در تغییر شرایط منطقه‌ایجاد کرد و در موضوع صلح آبراهام چه نقشی داشت گفت: در این موضوع شکی نیست که در صورت عدم وقوع عملیات طوفان‌الاقصی اینک کشورهای مختلف عربی با تاکید بر عنوان عربستان سعودی با اسرائیل صلح کرده بودند و با به رسمیت شناختن اسرائیل، محور مقاومت و مردم فلسطین تحت فشار قابل توجهی قرار می‌گرفتند.

وی در این باره تاکید کرد: اگر عملیات طوفان‌الاقصی انجام نمی‌شد با کلید زدن عادی‌سازی بین کشورهای عرب و مسلمان منطقه با اسرائیل قطعا پرونده احقاق حق مردم فلسطین و اشغالگری اسرائیل بسته می‌شد؛ لذا کشورهای یاد شده تلاش می‌کردند به انحاء مختلف محور مقاومت از جمله ایران را تحت فشار قرار دهند، اما اینک عادی‌سازی رابطه با اسرائیل که بیش از ۴۰ هزار انسان بیگناه را در غزه و لبنان کشته بسیار سخت است. وی در ادامه بحث به سخنان مقام معظم رهبری درخصوص دست داشتن آمریکا در جنایت‌های اسرائیل در غزه و لبنان به یک نکته مهم اشاره کرد و گفت: مقام معظم رهبری در همان روزهای بعد از عملیات طوفان‌الاقصی و آغاز حملات اسرائیل به غزه به این نکته بسیار مهم اشاره کردند که آمریکا در جنایات علیه مردم فلسطین، میداندار است.

کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل آمریکا در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: بی‌شک ایشان به نکته بسیار مهمی اشاره کردند؛ میدان‌دار بودن فراتر از حمایت از یک رژیم غاصب کودک‌کش است. امروز که یک سال از آن زمان گذشته و هر روز بر میزان کشته‌شدگان و حجم جنایات اسرائیل افزوده می‌شود پی به درستی کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌بریم که آمریکا میدان‌دار اصلی جنایت‌ها و تجاوزات منطقه است.

ایزدی معتقد است: با نگاهی سطحی به سخنرانی آقای جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آقای بایدن در سالگرد عملیات طوفان‌الاقصی در سفارت رژیم صهیونیستی در واشنگتن متوجه نقش آمریکا در ترور رهبران حزب‌الله می‌شویم؛ وی به صورت تلویحی مسئولیت ترور سید حسن نصرالله را می‌پذیرد هر چند عنوان نمی‌کند مستقیم در این عملیات حضور داشته‌اند، اما به این نکته اشاره داشت افرادی که دست آنها به خون اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها رنگین بود با همکاری اسرائیل و آمریکا ترور شد؛ پس این‌جا مشخص می‌شد آمریکایی‌ها فقط از ترور سید حسن نصرالله حمایت نکردند بلکه کار و پروژه مشترکی را برای این ترور با اسرائیل کلید زدند و به سرانجام رساندند.

وی در این باره یادآور شد: جیک سالیوان قبل از اشاره به این موضوع یعنی همکاری آمریکا با اسرائیل در ترور سید حسن نصرالله عنوان می‌کند امروز صبح در واشنگتن دعایی به زبان عبری خوانده شد؛ سپس بغض می‌کند، حال این‌جا سؤالی مطرح می‌شود مشاور امنیت ملی بایدن چرا بعد از دعا باید بغض کند؟ پاسخ روشن است، چون همه سران آمریکایی از جمله شخص بایدن صهیونیست هستند.

کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل آمریکا در این باره افزود: جیک سالیوان صهیونیست است به این خاطر در موضوع فلسطین در راستای قتل و کشتار مردم و ویرانی اراضی اشغالی میداندار شده‌اند چرا که آنها نیز به مسائل منطقه نگاهی صهیونیستی دارند.

ایزدی یادآور شد: از چه جهت آقای سالیوان یا آنتونی بلینکن یا رئیس‌جمهور آمریکا باید میداندار نسل‌کشی در غزه و لبنان باشند؟ بی‌تردید این‌ها اگر بیشتر از نتانیاهو در این فجایا سهیم نباشند قطعا کمتر دخیل نیستند.

وی در پاسخ به این پرسش که به نظر شما موضوع در پیش رو بودن انتخابات آمریکا می‌تواند در موضوع آتش‌بس و سایر مواردی که در این خصوص مطرح می‌شود تاثیرگذار باشد، گفت: متاسفانه در کشور ما یک مشکل اساسی وجود دارد کسانی که حوزه کاری آنها مسائل سیاست خارجی و آمریکا نیست یا اینکه سیاست خارجی را دنبال می‌کنند، اما درک درستی از مسائل آمریکا ندارند همواره هر چیزی را به انتخابات آمریکا ربط می‌دهند در حالی که موضوع فلسطین یک دغدغه ایدئولوژیک است و هیچ ربطی به انتخابات آمریکا ندارد.

کارشناس و تحلیلگر سیاست خارجی و مسائل آمریکا در این باره خاطر نشان کرد: به عنوان مثال خانم کاملا هریس حتی به قیمت حمایت از رژیم صهیونیستی حاضر به باختن در انتخابات است با اینکه ادامه جنگ به زیان خانم هریس است و آتش‌بس به نفع وی تا بتواند جوانان معترض آمریکایی را ساکت کند و این‌گونه عنوان نماید که وی عامل آتش‌بس است، اما همچنان حامی صهیونیست‌هاست و روزهای گذشته تاکید کرد ایران، دشمن اصلی آمریکاست.

به گزارش بصیرت، فواد ایزدی در این باره گفت: مسئله حائز اهمیت این است که همه چیز را نباید به انتخابات آمریکا گره بزنیم چرا که مسئولین آمریکایی هرگز خود را جدای از اسرائیل حس نمی‌کنند؛ از نظر آنها اسرائیل و آمریکا یک مجموعه هستند خواه انتخاباتی در میان باشد یا نباشد؛ پس این همبستگی میدان داری قرار نیست با انتخابات از بین برود لذا انتخابات آمریکا نمی‌تواند در مسائل مرتبط با خاورمیانه و غزه و لبنان اثرگذار باشد.

اهداف نیمه پنهان از ترور شخصیتی فرمانده نیروی قدس در تهران

بامداد جمعه ۱۳ مهرماه درست دقایقی پس از عملیات تروریستی صهیونیست‌ها در ناحیه ضاحیه، اخباری از سوی رسانه‌های عبری پخش شد که خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی نیز بازخورد پیدا کرد. کانال ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی در ابتدا اعلام کرد که جلسه رهبران مقاومت لبنان را مورد هدف قرار داده و در بین این اقدام تروریستی سردار قاآنی فرمانده نیروی قدس به شهادت رسیده است.

به گزارش مشرق، این خبر خیلی زود سر از رسانه‌های آمریکایی نیز پیداکرده و برخی از آن‌ها چون روزنامه نیویورک‌تایمز و همچنین خبرگزاری رویترز بر دامنه آن افزودند، این شبکه‌های خبرپراکنی با ایجاد ابهام و تردید نسبت به‌سلامت فرمانده نیروی قدس سپاه در تلاش بودند به خبر رسانه عبری زبان اعتبار بدهند.

نیویورک‌تایمز در گزارشی مفصل دراین‌باره نوشت: در حالی‌که شایعاتی درباره کشته شدن اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک حمله هوائی وجود دارد، سه مقام ایرانی ناشناس به روزنامه نیویورک‌تایمز اعلام کردند او آخرین بار هفته گذشته در بیروت دیده‌شده است تا به گروه حزب‌الله کمک کند از موج حملات اسرائیلی‌ها رهایی یابد. یک عضو ناشناس سپاه پاسداران مستقر در بیروت نیز به نیویورک‌تایمز گفته است سکوت جمهوری اسلامی ایران در این مورد باعث ایجاد اضطراب میان پرسنل سپاه شده است.

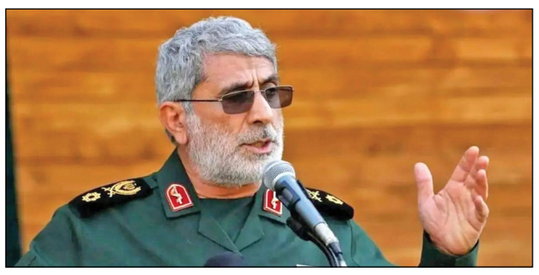

نکته عجیب آنکه خبر رسانه صهیونیستی حتی در میان رسانه‌های داخلی کشور به‌ویژه یک پیام‌رسان نیز به‌شدت ضریب خورده و برخی ناخواسته بر کیفیت آن افزودند، در این اخبار به این مسئله اشاره‌شده بود که سردار قاآنی در مراسم معارفه دبیرکل جدید حزب‌الله لبنان حضورداشته و این جلسه هدف حملات تروریستی صهیونیست‌ها قرارگرفته است.

اهداف پخش شایعات اطلاعاتی در ضاحیه

ادعای شهادت فرمانده نیروی قدس در بیروت در شرایطی مطرح می‌شد که اخبار رسمی حکایت از آن داشت که سردار قاآنی در آن مقطع در بیروت حضور نداشته و به نظر می‌رسید در پشت پرده پخش این اخبار یک عملیات اطلاعاتی در حال وقوع است، به نظر می‌رسید که سرویس اطلاعاتی آمریکا و نیز رژیم صهیونیستی در آن مقطع به دنبال آن بودند که با پخش این شایعات حضوروغیاب امنیتی کرده تا بتوانند مسیر تردد، محل حضور و نیز شبکه ترددی مقاومت در منطقه را کشف کنند.

بررسی صحنه میدانی در مقطع پخش پرشتاب شایعات علیه فرماندهان مقاومت نشان از آن می‌داد که محاسبات صهیونیست‌ها به‌هم‌خورده است، سازمان سیا و ارتش رژیم صهیونیستی گمان می‌کردند که با ترور و شهادت دبیرکل مقاومت لبنان، شهید سید حسن نصرالله بار فشار جبهه شمالی کاهش پیدا خواهد کرد اما ابتکار عمل جدید حزب‌الله در معادل قرار دادن تل‌آویو در برابر بیروت و ضاحیه در برابر حیفا در هدف قرار دادن دشمن باعث شوک محاسباتی در دشمن شد.

سیستم ادراکی دشمن تصور می‌کرد که پس از جنایت ضاحیه، مقاومت تعادل خود را ازدست‌داده و امکان بازسازی زودهنگام را نخواهد داشت، طراحی رژیم صهیونیستی و آمریکا آن بود که در چهار هفته با چهار ضربه و دو اقدام تکمیلی، حزب‌الله را به‌شدت تضعیف کرده تا مقاومت از صحنه معادلات لبنان حذف شود، به عبارتی آمریکا و رژیم صهیونیستی قصد درهم شکستن حزب‌الله را داشتند اما محاسباتشان به خورد، آن‌ها دلیل این شکست را فرماندهی مقاومت می‌دانند.

در واقع آمریکایی‌ها پس از شهادت سید حسن نصرالله به این نتیجه رسیدند که افق فرماندهی مقاومت در منطقه آن‌چنان گسترده است که دچار اخلال نخواهد شد برای همین ترور شخصیتی و اجتماعی را جایگزین ترورهای فیزیکی کردند، بررسی صحنه میدانی نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها اغلب کارت‌های اطلاعاتی و نظامی خود را سوزانده و در برابرش چیزی که تحویل گرفته‌اند با تصورات آن‌ها ۱۸۰ درجه فاصله دارد.

در جبهه شمالی نرخ حملات موشکی و راکتی به حیفا و سایر شهرک‌ها نه‌تنها کم نشده که در روزهایی افزایش‌یافته و همچنین انسجام خط اول پدافندی در جنوب لبنان باعث شده تا این سؤال در اراضی اشغالی مطرح شود که چرا حملات اخیر صهیونیست‌ها تأثیری بر حملات حزب‌الله نداشته و اساساً نتایج آنچه بوده است؟

بعد از شهادت سید حسن نصرالله، مقاومت نه‌تنها متوقف نشد بلکه میزان درد را بر دشمن افزایش داد، امروز شواهد نشان می‌دهد که تخریب زیرساخت‌ها در نوار جنوبی و حرکت به‌سوی لیتانی به‌صورت پیاده به طرحی شکست‌خورده بدل شده است.

در آن‌سو مانور پذیری بالای حزب‌الله در مناطق سخت با بهره‌برداری از جغرافیای خاص منطقه و نیز انعطاف‌پذیری و سرعت در جابه‌جایی رزمندگان به‌وسیله شبکه تونل‌ها و سنگرها از یک‌سو و همچنین کفایت لجستیکی و تجهیزاتی رزمندگان باوجود تلاش دشمن برای قطع شمال و جنوب لیتانی باعث شد طرح صهیونیستی- آمریکایی شکست بخورد، طبیعی است که در این وضعیتی به دلیل بسته بودن خط ترور فیزیکی اتاق عملیات، محور ترور شخصیتی باز شود.

شکست پروژه دیس اینفورمیشن در بیروت و تهران

هرقدر که تکاپوی صهیونیست‌ها برای عادی‌سازی جبهه شمالی بیشتر شده در آن‌سو وضعیت بر میدانی برای دشمن پیچیده‌تر شده است، تقسیم‌کار یگان‌ها در خط اول پدافندی و نیز اجرای مانورهای زمینی برای بازدارندگی باعث شد یک‌فاز دیگر از عملیات روانی علیه اتاق فرمان شکل بگیرد.

در این فصل رسانه آمریکایی- عبری یک خط عقب‌رفته و محور در اختیار رسانه‌ای نیابتی قرار گرفت، در این عملیات ترکیبی در ابتدا شبکه اسکای نیوز عربی به نقل از منابع ایرانی گزارش داد که سردار اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، زنده و سالم است، اما تحت مراقبت به سر می‌برد و مورد بازجویی قرار می‌گیرد.

شبکه اسکای نیوز به نقل از این منابع نوشت که فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در حمله اسرائیل به لبنان آسیبی ندید، اما به دلیل نقض‌های امنیتی قابل‌توجه تحت بازجویی قرار گرفت، این خط عملیات روانی توسط یک رسانه نزدیک به سازمان سیا پرداخت بیشتری نیز پیدا کرد.

وب‌سایت «Middle East Eye» که اخبار عملیات وعده صادق را اغلب منحرف کرده در گزارشی سراسر تناقض ادعا کرد که یک فرمانده نظامی فاش کرده که ایرانی‌ها به‌طورجدی به این مسئله مشکوک هستند که شاید اسرائیلی‌ها به نیروی قدس ن